این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

چرا امام هشتم(ع) «رضا»ست؟

آیت‌الله جوادی آملی:

هیچ موجودی از هیچ موجود دیگری راضی نمی‌شود مگر به وساطت مقام امام هشتم. هیچ انسانی به هیچ توفیقی دست نمی‌یابد و خوشحال نمی‌شود مگر به وساطت مقام رضوان رضا (سلام الله علیه) و هیچ نفس مطمئنه‌ای به مقام راضی و مَرضی بار نمی‌یابد، مگر به وساطت مقام امام رضا! او نه چون به مقام رضا رسیده، به این لقب ملقب شده است! بلکه چون دیگران را به این مقام می‌رساند، ملقب به رضا شد. ممکن است در بین آحاد امت کسانی باشند که به مقام رضوان راه پیدا کنند؛ چون پایان بخش سوره مبارکه فجر که فرمود: «یا أَیَّتُهَا النَّفسُ المُطمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلی رَبِّک راضِیةً مَرضِیه» مخصوص ائمه(ع) نیست، شامل سایر انسان‌های ملکوتی منش هم می‌شود. ممکن است در بین امت کسانی باشند که دارای نفس مطمئنه و نائل به مقام راضِیةً مَرضِیةً بشوند، اما رضا نخواهند بود! آنها جزو امتند، ولی امام رضا(ع) واسطه است که چنین افرادی در بین امت به مقام راضِیةً مَرضِیةً راه پیدا می‌کنند.

منبع: کانال تلگرامی «نشر بیانات و دستورالعمل‌های علمای اسلام»

چین اکنون بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است، امریکا نباید شوکه شود!

کانال تلگرامی «مطالعات امریکا» ترجمه مطلبی از «نشنال اینترست» را به اشتراک گذاشت. در این مطلب می‌خوانیم: صندوق بین‌المللی پول چشم‌انداز اقتصاد جهانی ۲۰۲۰ خود را ارائه داده و طبق نمای کلی چین به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شده است. ناخوشایندترین واقعیت این است که امریکایی‌ها نمی‌خواهند این واقعیت را قبول کنند حتی وقتی این گزارش را می‌خوانند از پذیرش آن امتناع می‌ورزند!

ما نباید شوکه شویم؛ چون این واقعیت است که چین اکنون موفق شده است دهها سال برتری اقتصادی امریکا بر جهان را پشت سر گذارد و به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شود. بهترین معیار مقایسه اقتصاد ملی دو کشور است که هم اکنون صندوق بین‌المللی پول و سازمان سیا ارائه می‌دهند. گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد اقتصاد چین یک ششم بزرگ‌تر از اقتصاد امریکاست (۲۴/۲ تریلیون دلار چین در برابر ۲۰/۸ تریلیون دلار امریکا). به نظر می‌رسد تبعات اقتصادی کرونا در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

در ساخت سریال‌های پلیسی مقلد غرب نباشیم

مجتبی همتی‌فر در رشته توئیتی نوشت: به مناسبت هفته ناجا، تلویزیون سریال‌های پلیسی پخش می‌کند. این سریال‌ها متأثر از نمونه‌های خارجی بیشتر روی نوپو مانور می‌دهند، در حالی که ناجا خدمات و رسته‌های متنوعی دارد، همچون راهور، مرزبانی، اجتماعی، فتا و... که از قضا جامعه به برنامه‌های آموزنده ناظر بر اینها نیازمندتر است. سریال‌های پلیسی هم فرصتی برای ارتقای دانش و مهارت انتظامی مردم است و هم فرصتی برای معرفی زحمات این نیروی مهم که نسبت به سایر نیروهای مسلح، بیشترین تماس را با مردم و جامعه دارد. متأسفانه در اینجا هم دچار تقلیدگرایی و سطحی‌نگری شده‌ایم و تولیدات صرفاً سرگرم‌کننده و دور از واقع غلبه دارد.

سازمان ملل متحد دقیقاً با کی متحده؟!

علی سیستانی توئیت کرد: شما می‌گید سازمان ملل! شما می‌گید یونیسف! شما می‌گید حقوق بشر! شما می‌گید شورای امنیت! شما می‌گید سازمان بهداشت جهانی! خب این سازمان‌ها چرا در مقابل تحریم دارویی ایران صداشون در نمیاد؟! ایجاد شدن که فقط سکوت کنن؟! این ملل متحد دقیقاً با کی متحدن؟! با امریکا؟!

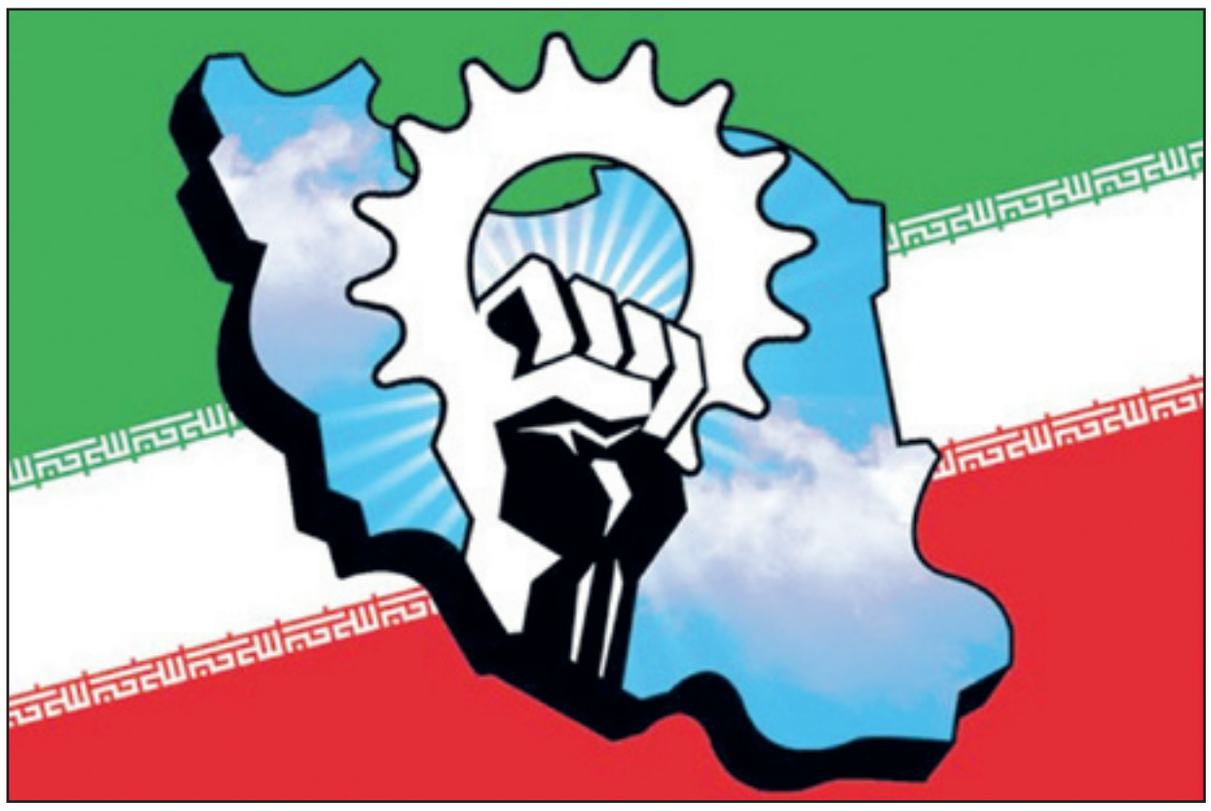

تأکید کاربران شبکه‌های اجتماعی بر لزوم جوان کردن اقتصاد برای عبور از چالش‌ها

ثروت‌های ایران فوق‌العاده است

در پی افزایش مشکلات اقتصادی کشور، کاربران شبکه‌های اجتماعی راه خروج از این مشکلات را اقتصاد جوانی معرفی کردند که تکیه‌اش بر ظرفیت‌های درونی است. کاربران ظرفیت‌های بیشمار ایران را از قبیل منابع انسانی، نیروی کار جوان، تحصیل کردگان دانشگاهی، منابع معدنی و سرزمینی بسیار، همسایگی با ۱۵کشور و... برشمردند و تأکید داشتند اگر به جای نگاه به خارج از کشور به ظرفیت‌های داخلی تکیه داشت و مدیریت برجامی را کنار گذاشت می‌توان با تمام تحریم‌ها مقابله کرد. آنها همچنین موتور محرک اینچنین اقتصادی را دولت جوان انقلابی دانستند. در ادامه بخشی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

■ **محمود کریمی بیرانوند:**
یکی از ظرفیت‌های اقتصاد ایران زنان تحصیلکرده و خانه‌دار هستند. در صورتی که نظام آموزشی رسمی یا غیررسمی بتواند آموزش فرهنگ اقتصادی صحیح را در این قشر ترویج دهد، نظام تربیت کارآفرین به‌صورت خودکار راه‌اندازی می‌شود. همچنین مشاغل خانگی و پردرآمد نیز رونق زیادی خواهند داشت.

■ **مریم سریاری:**
کشور پهناور ایران از لحاظ جغرافیایی در همسایگی ۱۵ کشور با جمعیتی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر قرار دارد. ایران با فعال نمودن دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای و استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه، می‌تواند حداقل تجارتی ۱۰۰ میلیارد دلاری با کشورهای همسایه خود شکل دهد.

■ **و. محمدی ثابت:**
علاج مشکلات کشور پیمودن راه اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی تکیه به درون. چشم را ندوزیم به دست دیگران؛ ما توانا‌ییم، ما ثروتمندیم، هم ثروت انسانی داریم و هم ثروت‌های زیرزمینی؛ ثروت‌های ما فوق‌العاده است.

■ **سجاد مظفری:**
هک کردن سیستم ناوبری RQ۱۷۰، شناسایی و ساقط نمودن پهپادهای فوق پیشرفته امریکایی در خلیج فارس توسط سامانه باور ۳۷۳ و موشک‌های خرمشهر که همگی ساخت داخل بوده و در دوران تحریم تسلیحاتی انجام شد نشان از نیاز توجه ویژه به ظرفیت‌های داخل در تمام زمینه‌ها دارد.

■ **فاطمه رشیدی:**
اقتصاد جوان یعنی شناخت اولویت‌ها و ضرورت‌های کشور و تخصیص بهینه ارز دولتی به کالاهای اساسی و نه غذای سگ و گربه؛ اقتصاد جوان یعنی خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک و تأمین امنیت غذایی کشور؛ اقتصاد جوان یعنی بستن گلوگاه‌های حساس و فسادخیز با نظارت دقیق و همه اینها با وجود دولت جوان و حزب‌اللهی تحقق می‌یابد. جوان مؤمن و انقلابی، از آنجا که انگیزه بیشتر و تعلقات کمتری دارد، نیروی محرکه جامعه است. اقتصاد جوان نیز در سایه وجود یک دولت جوان و حزب‌اللهی که مدنظر رهبری است، شکوفا می‌شود. دولت جوانی که وزرای آن از مدیران تراز انقلابی تشکیل شده باشد و برنامه‌های مدون کارشناسی برای پیشرفت دارند.

■ **حجت‌الله عبدالملکی:**
بر خلاف تصور عده‌ای که فکر می‌کنند تهدیدات اقتصادی امریکا به سبب ضعف اقتصادی ماست، علت خصومت و تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های بالقوه و توانمندی‌های فوق‌العاده اقتصاد جوان ایران است. اقتصادی پرانرژی که اگر به حرکت درآید تمدن غرب را با چالش مواجه خواهد کرد.

■ **محمد موحد:**
امام خامنه‌ای در ۹۸/۱/۱ فرمودند: «ما کمبود نداریم. ظرفیت نیروی انسانی ما بسیار خوب است، ظرفیت‌های طبیعی ما بسیار خوب است، ظرفیت جغرافیایی ما بسیار خوب است که من در بیانیه گام دوم مقداری از این ظرفیت‌ها را تشریح کردم که این ظرفیت‌ها وجود دارد، بنابراین ظرفیت‌ها هست.»

■ **ایرج ستاری:**
از مؤلفه‌های درآمدزایی ایران اقتصاد جوان آن است، توجه ویژه به توان شرکت‌های ایرانی در زمینه صدور خدمات فنی مهندسی بدون نیاز به استفاده از منابع زیرزمینی و اعزام نیروی کار با پشتوانه علمی بالا به کشورهای همجوار کمک شایانی به ارزآوری و حل معضل بیکاری قشر جوان تحصیلکرده خواهد نمود.

■ **سامان مظاهری:**
بازار ۶۰۰ میلیونی برای کالاهایمان همین بیخ گوشمان داریم! توان تولید اکثر محصولات دانش بنیان، کشاورزی و صنعتی را پیدا کرده‌ایم؛ از لحاظ سرمایه انسانی وضعیت مطلوبی داریم؛ همه چیز جهت یک جهش تولید بزرگ مهیاست اگر تفکر و مدیریت برجامی گلوی اقتصاد جوان ایران زمین را نفشارد!

■ **مهدی:**
اقتصاد مقاومتی یعنی توانمندسازی اقتصاد ملی در مقابل تغییرات، مخاطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی بر سر راه پیشرفت و دستیابی به اهداف، چشم‌انداز کشور و استفاده از فرصت‌های آنها. در واقع علم تبدیل تهدید به فرصت.

■ **وحید زارع فکری:**
به نظر چیزی که می‌تواند اقتصاد فعلی را سامان دهد منحصراً اقتصاد جوان است و البته اقتصادی جوان است که حداقل این ویژگی‌ها را داشته باشد: استقبال از تغییرات، احترام به بازخورد و پذیرش آن، توسعه مداوم و فزاینده، تمرکز بر خروجی و ارتقای اهداف، حالا مدیرش هم جوان بود دیگر بهتر!

■ **سیده فاطمه موسوی:**
ایران به دلیل محور بودن، تولیدات متنوع، نیروی انسانی ماهر و مبدع، جمعیت بالا و موقعیت طبیعی و... می‌تواند نقش بسیار ویژه‌ای را در منطقه و جهان اسلام داشته باشد که این مسئله در مسائل اقتصادی ما مغفول مانده است و به جای تقویت این مسئله، به دنبال ارتباط با بازار غرب هستیم.

مهم‌ترین جنبه‌های تهدید امنیت ملی کشورمان از سوی رسانه‌های غربی

گزارش

دکتر حسن باویر در کانال تلگرامی «ژئوپلتیک رسانه» طی یادداشتی نوشت: به طور کلی وقتی کشوری مورد آماج عملیات روانی رسانه‌ای قرار می‌گیرد، این عملیات در دو بخش می‌تواند امنیت ملی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد؛ حاکمیت و افکار عمومی شهروندان.

کارگزاران عملیات روانی در مورد شهروندان کشور آماج، عمدتاً چند هدف را دنبال می‌کنند: ۱) ایجاد حس بدبینی در آحاد جامعه نسبت به حاکمیت؛ ۲) بالا بردن سطح توقعات عمومی جامعه؛ ۳) ایجاد بحران‌های ساختگی در سطوح داخلی و منطقه‌ای؛ ۴) ترویج فرهنگ غربی در مقابل فرهنگ مطلوب حاکمیت و ۵) معرفی غرب به عنوان یگانه منجی جهانی. این اقدامات از طریق به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای صورت می‌پذیرد، اما غرب و در رأس آن امریکا چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌ها تهدیدی برای امنیت ملی این کشور ایجاد نمایند:

■ **تحریک گروه‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی**

هدف رسانه‌های غربی در این بخش عمدتاً تحت فشار نهادن مسئولان نظام و زیر سؤال بردن مشروعیت و مقبولیت نظام است که به طور مشخص از طریق شبکه گسترده مجازی (اینترنت، فیسبوک، توئیتر و...) شبکه‌های ماهواره‌ای پیگیری می‌شود.

■ **تشدید اختلافات قومی و مذهبی**

اصولاً کشورهایی که در آن اقوام و مذاهب گوناگون حضور دارند به طور بالقوه همواره با برخی تهدیدات مواجه هستند. رسانه‌های غربی با بهره‌گیری از این فضا و با هدف تحت تأثیر قرار نهادن امنیت ملی کشور، تلاش می‌کنند تا حد امکان کشور را با چالش‌های مختلف مواجه سازند. اوج این اقدامات را در تمایلات گریز از مرکز قومیت‌ها، تشدید درگیری‌های قومی و نهایتاً موضوع جدایی‌طلبی به خصوص در استان‌های مرزی کشور می‌بینیم.

■ **گسترش ناامنی اجتماعی و انحرافات اخلاقی**

این امر در یک فرآیند دو سویه نه تنها با تضعیف بنیان‌های اصلی اجتماعی همچون خانواده خود می‌تواند در یک روند زنجیره‌وار ابعاد دیگر را متأثر نماید بلکه در صورت گسترش فضای ناامنی اجتماعی به تدریج نخبگان و افراد طبقه متوسط جامعه اعتبار خود را در گروه‌های معارض که بر عکس با شعار توجه به موضوعات اجتماعی وارد می‌شوند می‌یابند و به این ترتیب نارضایتی اجتماعی گسترده شده و تبعات آن دامنگیر امنیت کشور خواهد شد.

■ **طرح افزایش قدرت مردمی جهت مهندسی انقلاب رنگی**

به این منظور شبکه وسیعی از رسانه‌های جمعی، تحت هدایت غرب تلاش دارند تا با بحران‌سازی اجتماعی و آفند تبلیغاتی و به اصطلاح افزایش قدرت مردمی به مهندسی انقلاب رنگی در ایران بپردازند. در سال‌های اخیر، این رسانه‌ها بخش اعظم کمک‌های مالی آشکار برای ترویج به اصطلاح دموکراسی در ایران را به خود اختصاص داده بودند.

■ **گسترش فرق و اندیشه‌های انحرافی**

فرقه‌گرایی و رواج اندیشه‌های خرافی از سوی شبکه رسانه‌ای غرب از جمله دغدغه‌های جوامع اسلامی است به خصوص آنکه دنیای غرب پس از سال‌ها مبارزه با حاکمیت دینی، در عصر برگشت به سوی ایمان، پرچم ترویج معنویت مورد نظر خود را برافراشته و به تولید، صدور و تشویق گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب می‌پردازد.

■ **گسترش شبهات و تضعیف بنیان‌های دینی**

رسانه‌های تحت مدیریت یا هدایت غرب با استفاده از تکنیک‌های تبلیغاتی رسانه‌ای در بلندمدت می‌توانند سؤالات بی‌پاسخ فراوانی را در حوزه‌های مختلف برای مخاطبان عام به وجود آورند. این شبهه‌افکنی‌ها که عمدتاً با هدف تحریف در تاریخ اسلام و مخدوش نمودن چهره دین و نیز ماهیت حکومت اسلامی در اذهان عمومی صورت می‌گیرد، می‌تواند در حوزه امنیت فرهنگی (مذهب) جامعه را با خطرات جدی مواجه سازد به خصوص آنکه در مقابل، تلاشی کارساز برای پاسخ به این سؤالات صورت نپذیرد.

■ **افزایش اقبال عمومی نسبت به فرهنگ امریکایی**

امریکا با بهره‌گیری از منابع متعدد قدرت نرم خود، به خوبی به خانه‌های مردم ورود و تلاش می‌کند تا فرهنگ امریکایی را با جذابیت زیاد برای آحاد جامعه نهادینه کند. این جذابیت‌ها می‌تواند در درازمدت افکار عمومی کشور را نسبت به پذیرش سیاست‌های امریکا در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار دهد.

■ **ایجاد بحران‌های هویتی در جوانان**

استراتژی رسانه‌های غربی در واقع این است که شخصیت و هویت ملی و فرهنگی ما را در برابر یک چالش و بحران جدید قرار دهد. این مهم می‌تواند خطری جدی در امنیت اجتماعی و فرهنگی جامعه محسوب شود.

سورپرایز اکتبر یا فرار از امریکا

علیرضا فقیهی‌راد در کانال تلگرامی «حلاج» نوشت: سورپرایز اکتبر به یک اتفاق و رخداد خبری غیرمنتظره می‌گویند که با هدف تغییر و تحول در روند آرای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری امریکا صورت می‌پذیرد. از این جهت ماه اکتبر مهم و تعیین کننده است که انتخابات‌های ریاست جمهوری امریکا در ماه نوامبر برگزار می‌شود و تحولات آخر ماه اکتبر بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده در روند انتخابات است.

در انتخابات ۲۰۱۶ امریکا در ۷ اکتبر ویکی لیکس ایمیل‌ها و اسناد مرتبط با هیلاری کلینتون را منتشر کرد، از جمله سخنرانی‌های کلینتون برای بانک‌های مختلف که از آنچه او در جریان مبارزات انتخاباتی گفته بود، متفاوت بود.

در همان روز یک فیلم ضبط شده از سال ۲۰۰۵ مربوط به نامزد حزب جمهوری‌خواه دونالد ترامپ منتشر شد که در آن او از گفتار جنسی استفاده کرده و مدعی شده بود او می‌تواند هر زنی را که بخواهد ببوسد، چراکه او یک ستاره است. سیاستمداران متعددی از هر دو حزب خواستار عذرخواهی او شدند و ترامپ گفت این فیلم‌ها نشان‌دهنده شخصیت او نیستند.

این روزها در حالی که نیمه دوم ماه اکتبر ۲۰۲۰ را پشت سر گذرانده‌ایم و نزدیک به ۲۰ روز تا انتخابات ریاست جمهوری امریکا باقی‌مانده است، رسانه‌ها و مردم امریکا کماکان منتظر سورپرایز اکتبر ۲۰۲۰ هستند.

بعضی از تحلیلگران بر این باور بودند که با توجه به همه‌گیری و شیوع گسترده کرونا در امریکا اعلام رسمی کشف واکسن کرونا توسط ترامپ می‌تواند به عنوان سورپرایز اکتبر باشد و بتواند به عنوان برگ برنده او در انتخابات باشد، اما با مبتلا شدن ترامپ و همسر وی و همچنین بسیاری از اعضای ستاد انتخاباتی او به کرونا، حالا دموکرات‌ها دست بالاتر را پیدا و ترامپ را به سهل انگاری در مدیریت مبارزه با کرونا متهم کرده‌اند. هرچند بعضی از گمانه‌ها حکایت از آن دارد که ممکن است ترامپ در روزهای آخر از واکسن یا داروی مؤثری در جهت درمان کرونا رونمایی کند، اما آنچه از اظهارات مقامات رسمی وزارت بهداشت امریکا بر می‌آید آنها حاضر به تأیید زودهنگام چنین مواردی نخواهند بود و ترامپ را با چالش اساسی روبه‌رو خواهند کرد.

بعضی رسانه‌ها هم با توجه به تشدید فشار و نقش‌آفرینی لابی صهیونیست‌ها در کاخ سفید، معتقدند سورپرایز اکتبر می‌تواند مربوط به پرونده ایران باشد یا جنگی محدود یا توافقی جامع و بازدارنده با ایران. تحلیلگر «نیویورک مگ» می‌نویسد: احتمال دارد «سورپرایز اکتبر» این دوره از انتخابات ریاست جمهوری امریکا جنگ در خاورمیانه باشد، جنگی که آینده سیاسی نتانیاهو و ترامپ را تضمین کند. یک مقام اتحادیه اروپا در گفت‌وگو با نیویورک مگ گفته که اروپا نگران است اسرائیل با دامن زدن به تنش با ایران سطح تنش را به درگیری نظامی مستقیم بکشاند تا نتانیاهو از آن به عنوان اهرمی برای حفظ خود در سیاست و قدرت استفاده کند. این تنش نه تنها برای نتانیاهو جذاب است، بلکه حتی می‌تواند برای ترامپی که این روزها اسیر عواقب کرونا هم است جذاب باشد.

اما با توجه به کاهش یافتن اهمیت مسائل سیاست خارجی برای مردم امریکا و تشدید مشکلات اقتصادی درون امریکا، مسئله بحران کرونا و درگیری‌های تبعیض نژادی، بعید به نظر می‌رسد جنس سورپرایز اکتبر مسائل مربوط به سیاست داخلی باشد.

آخرین رخداد مهم که می‌تواند با توجه احتمالی گستردگی و عمق آن به عنوان سورپرایز اکتبر ۲۰۲۰ تلقی شود، اعلام عمومی و افشای ایمیل‌های هیلاری کلینتون است. ابتدا مایک پنس معاون دونالد ترامپ در مناظره با کامالا هریس معاون جو بایدن اعلام کرد تمامی ایمیل‌های کلینتون را از حالت محرمانه خارج خواهند کرد و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند.

مایک پمپئو که گویا مسئول مشخص افشای این ایمیل‌ها شده است در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز اعلام کرد در اولین فرصت ممکن و احتمالاً پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این ایمیل‌ها منتشر خواهد شد. جز انتشار عمومی ایمیل‌های هیلاری کلینتون، کمپین انتخاباتی ترامپ به دنبال انتشار اسناد تحقیقات اف بی آی از دخالت روسیه در انتخابات امریکا و ارتباط ترامپ با روس‌هاست تا اثبات کند دموکرات‌ها به دروغ ترامپ را متهم به همکاری با روس‌ها کرده‌اند تا بلکه بتوانند چهره‌ای مظلوم از وی در افکار عمومی بسازند. نهایتاً در حالی که تمامی نظرسنجی‌ها و حتی ارزیابی کمپین انتخاباتی ترامپ، از پیشتازی جو بایدن حکایت می‌کند باید منتظر ماند و دید ترامپ در این روزهای آخر خواهد توانست برگ برنده‌ای رو و تحولات انتخابات ۲۰۲۰ را با یک چرخش و اتفاق غیرمنتظره روبه‌رو کند یا به گفته خودش به زودی خاک امریکا را ترک خواهد کرد؟

نگاه آلمانی به انتخابات ریاست جمهوری امریکا

وزیر خارجه آلمان هم بی‌سواد است؟!

مهدی جهان‌تیغی، مدیرمسئول سایت خبری جهان‌نیوز، در کانال تلگرامی خود نوشت: هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان درباره نتیجه انتخابات ریاست جمهوری امریکا گفته است نه نگران هستند و نه امیدوار! او تصریح می‌کند آمدن ترامپ جمهوری‌خواه آنها را نگران نمی‌کند و همچنین پیروز شدن بایدن دموکرات نیز آنها را امیدوار نمی‌کند. در این‌باره چهار نکته کوتاه ذیل را بخوانید:

۱) وزیر خارجه آلمان در حالی موضع کشورش را درباره انتخابات ریاست جمهوری امریکا نه امیدواری و نه نگرانی بیان می‌کند که خود او در همان گفت‌وگو از رفتارهای ترامپ با اروپا انتقاد می‌کند یا پیروز شدن بایدن را نوعی امیدواری حداقلی برای بهبود روابط بهتر با امریکا بیان می‌نماید. اما هایکو ماس نهایتاً حرف اول و آخر را این می‌داند که استراتژی کشورش نه بر پایه امیدواری و نه نگرانی در برابر انتخابات امریکاست.

۲) آلمان در شرایطی چنین موضعی در برابر انتخابات امریکا دارد که دشمن امریکا محسوب نمی‌شود و در معادلات دنیای غرب به عنوان کشوری با هویت اروپایی، صرفا رقیب امریکا است. هایکو ماس همچنین تأکید می‌کند: «سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده از سال‌ها پیش در این مسیر پیش می‌رود که جایگاهی که این کشور در دوران جنگ سرد به عنوان ابرقدرت پیدا کرده بود به لحاظ استراتژیک دوباره تنظیم شود.» او سپس گزاره‌ای کلیدی بیان می‌کند و می‌گوید: «ما به عنوان اروپایی» باید بیش از پیش به مسئولیت‌های خود توجه کنیم.» خلاصه و ساده آنکه آلمان بهترین دیپلماسی را در برابر کشور رقیب خود، گره نزدن سیاست کشورش به انتخابات امریکا و عدم خیال‌بافی با گزینه‌هایی همچون «بد» و «بدتر» یا «معتدل» و «تندرو» می‌داند.

۳) اگر کشوری همانند آلمان که قطب اقتصادی اروپاست و جزو کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی در دنیای غرب شناخته می‌شود، در برابر امریکا در مقیاس یک رقیب، حاضر نیست سیاست خارجه کشورش را به انتخابات امریکا گره بزند، ایران در برابر امریکا آن‌هم در جایگاه جدی‌ترین دشمن خود، چگونه باید به انتخابات ریاست جمهوری این کشور نگاه کند؟! قطعاً استراتژی انتخابی در برابر دشمن از استراتژی در برابر یک رقیب باید سختگیرانه‌تر باشد. یعنی ایران در برابر دشمنی مثل امریکا صد برابر آلمان باید بیشتر از گره زدن منافع ملی خود به انتخابات ریاست جمهوری امریکا پرهیز کند.

۴) اما در ایران اگر کسی درباره ترامپ و بایدن همانند وزیر امور خارجه آلمان سخن بگوید، از طرف اصلاح‌طلبان به بی‌سوادی و عدم فهم منافع ملی و شناخت امریکا متهم می‌شود! این در حالی است که تقسیم نکردن رقیب به معتدل و تندرو در اروپا عین دیپلماسی است ولی در ایران تقسیم کردن دشمن به معتدل و تندرو از طرف اصلاح‌طلبان و اعتدالیون عین باسوادی در سیاست خارجه معرفی می‌شود. مشکل اصلی هم همین جاست که ما در جریان اصلاحات و اعتدال با دیپلمات حقیقی روبه‌رو نیستیم.